

برگردان زیر از کتابچه‌ای بنام در حال اعتصاب است که در سال ۱۹۷۳ در کانادا به چاپ رسیده است. در این کتابچه به ۶ اعتصاب کارگری و نحوه شکل‌گیری و مراحل مختلف این مبارزات و نتایج آنان پرداخته شده است. امید است پرداختن، مرور، و فراگیری از تجارب مثبت و منفی بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی در غنا و وسعت بخشیدن به افق فعالین کارگری مفید واقع گردد.

در حال اعتصاب

(۱)

برگردان: خلیل ورمزیاری

مقدمه

متوقف ساختن کار_ اعتصاب _ از دیرباز یکی از مهمترین حربه های کارگران سازمان یافته در مذاکره با کارفرما بر سر دستمزد ها، شرایط کار و سایر مسایل مربوط به کارفرما و کارگر بوده است . با تشخیص پتانسیل قدرت اعتصاب در تقویت خواسته های اتحادیه، کارفرمایان و صاحبان شرکتها تاریخا تلاش کرده اند با جلب حمایت دولت و دادگاهها، از وقوع اعتصابات جلوگیری کرده و با دخالت در سازمانیابی کارگران در اعتصابات ، دامنه آن را محدود سازند. در قرن گذشته، اتحادیه های کارگری به عنوان « توطئه ای علیه امر تجارت» آشکارا غیرقانونی بوده، و کسانی که برای ایجاد اتحادیه تلاش میکردند زندانی میشدند. بعد ها، زمانی که کارگران بالاخره به حق مذاکره دسته جمعی دست پیدا کرده، و از طریق اتحادیه با کارفرمایان وارد مذاکره شدند، کارفرمایان و دولتها برای جلوگیری از اعتصاب، که بنظرشان برای « امنیت و آسایش جامعه» خطرناک بودند، به دادگاهها روی آوردند.

با همه اینها، کارفرمایان همیشه به دولت و کمک دادگاهها تکیه ننموده، بلکه زرادخانه خود را برای درهم شکستن اتحادیه و اعتصاب به کار گرفتند. کمپانیها خود برای جمع آوری اخبار و اطلاعات در مورد سازماندهندگان، جاسوسانی استخدام نمودند. کارگرانی که برای سازمان دادن سایر کارگران تلاش میکردند، اخراج گردیده و اسامی آنها جزو « لیست سیاه» به سایر شرکتها ارسال شده است. همچنین، کارگران را در بدو استخدام ملزم به قرارداد هایی کردند که به اتحادیه نیبوندند. در موارد زیادی، سازماندهندگان اتحادیه تهدید، و توسط افراد مزدور کارفرما مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. زمانی که کارگران دست به اعتصاب زدند، کارفرمایان سعی کردند افراد غیراتحادیه ای را جایگزین کارگران اعتصابی کرده، و به کمک پلیس و نیرو های شخصی _ امنیتی مانع تلاش اعتصابیون در ممانعت از ورود «اعتصاب شکنان» به

کارخانه گردند. بعضی مواقع دسته های اعتصاب شکن حرفه‌ای برای ایجاد تحریک و حمله به کارگران اعتصابی در خطوط پیکت استخدام نمودند؛ تا با ایجاد خشونت پای پلیس و دادگاه را بمیان بکشند^۱ سلاح دیگر کارفرمایان، تهدید به بستن کارخانه و ممانعت از ورود کارگران به آنجا بود. شرکتهای بزرگ در صورت داشتن امکان جابجایی مکان، گاهی برای مقابله با تهدید کارگران به اعتصاب، همه شرکت را به محلی دیگر منتقل ساخته‌اند؛ تا حداقل برای مدتی از «شر و درد سرهای» اتحادیه راحت شوند. در موارد دیگری، زمانیکه تنها بخشی از کارگران در اعتصاب بوده‌اند، کارفرمایان همه کارخانه و تولید را تعطیل کرده‌اند؛ تا بتوانند بین اعتصابیون و سایر کارگران دشمنی و اختلاف ایجاد کنند. کارفرمایان همچنین، برای خنثی کردن تاثیر اعتصاب و تضعیف و محدود کردن دامنه آن، به قانون مراجعه کرده‌اند. بعضی از قوانین، کارگران اعتصابی را از بستن در ورودی محل کاریکه در آن اعتصاب در جریان نبوده ممنوع کرده است. بعضی از قوانین، کارگران و کارفرمایان را مجبور میسازد، که در صورت عدم توافق و دستیابی به آن، در مدت تعیین شده به حکمیت رجوع کنند.

کارگران سازمان یافته، به این استراتژیها، به اشکال مختلفی جواب داده اند. در اوایل کار و بعدها، قوانین پس از برسمیت شناختن حق سازمانیابی کارگران و پیوستن به اتحادیه، هر دو طرف را مجبور نمود، که با «حسن نیت» و از طریق نمایندگان مشروع اتحادیه، اختلافات خود را از طریق مذاکره، حل و فصل نمایند. بعلاوه تلاش شد، که با ایجاد هیئتهایی، قوانین بطور منصفانه در جریان مذاکره و اعتصابات رعایت گردد.^(۱)

هزینه اعتصاب، بجهت از دست رفتن دستمزد ها، تقلیل تولید و خدمات، تورم و ایجاد عدم آسایش برای جامعه، آن جنبه‌هایی بوده است که اغلب توجه رسانه های گروهی را به خود جلب کرده است. بعضی از منتقدین بر این باورند، که اعتصاب برای اقتصاد جامعه گران تمام میشود، و نباید به آن اجازه و میدان داده شود، و یا حداقل، باید محدودیتهایی به آن تحمیل گردد. باوجود این، آلترناتیو قابل قبولی برای جایگزینی اعتصاب ارائه نشده و هنوز اعتصاب، به عنوان آخرین سلاح کارگران باقی مانده است - اعتصاب تکس پک - یک شرکت تهیه کننده وسایل مورد نیاز بیمارستانها در براندفورد انتاریو است. این شرکت تا سال ۱۹۵۶ به خانواده استرن تعلق داشت؛ که بعد ها، به یک شرکت بزرگ امریکایی تولید کننده وسایل بیمارستانی (شرکت فراملیتی با مرکزی در اووانستون الی نویز با ۱۲۰ شعبه در کشور های مختلف و فروش سالانه ۴۵۰۰ میلیون و سود سالانه‌ی بیش از ۲۵ میلیون دلار، در سال است.) منتقل گردید. این شرکت توسط مجله فورتن، در ماه می سال ۱۹۷۲، جزو ۱۴ شرکت بزرگ امریکایی سریع‌الرشد ارزیابی شده است.

در آوریل سال ۱۹۷۱، اتحادیه محلی شماره ۲۵۰۰ از اتحادیه پارچه بافی و شیمیایی کانادا، برای تجدید قرارداد دسته جمعی، که اعتبار آن در ۲۹ می منقضی میگردد، وارد مذاکره شد. این اتحادیه، یک نهاد کوچک مستقل کانادایی، با ۱۵۰۰۰ عضو، در پنج شعبه بود. کارگران شرکت، طبق قرارداد قبلی، ۱ دلار و ۹۳ سنت، در قبال یکساعت کار دریافت میکردند. معدل درآمد خالص هفتگی ۶۵ دلار بود. اتحادیه درخواست ۶۵ سنت افزایش دستمزد برای هر ساعت کار در عرض دو سال با مقداری مزایا نمود. شرکت به بهانه اینکه در کانادا سود کافی بدست نیاورده است، درخواست اتحادیه را رد نمود و در مقابل، پیشنهاد ۲۰ سنت افزایش در ساعت، با ترمیم بعضی از دستمزد ها و افزایش ۴۰ سنتی برای بخشی از کارگران را داد. اتحادیه این پیشنهاد را رد کرد.

یکی از موضوعات موثر در این اعتصاب، ترس و نگرانیهای اتحادیه، از اهداف آتی شرکت بود. شرکت امریکایی در نظر داشت که کار کارخانه کانادایی را تعطیل نموده و شرکت را به انبار و بسته بندی تولیدات امریکایی خود تبدیل کند؛ تا از این طریق نیاز مشتریان کانادایی را برطرف سازد. کارگران مطرح نمودند، که آنها باند ها را از جعبه ها درآورده و در جعبه هایی میگذارند که، روی آنها نوشته شده : «تکس پک، ساخته شده در کانادا».

اتحادیه ادعا نمود، که از زمان اتخاذ چنین سیاستی از سوی شرکت، بخشی از کارگران، مشاغل خود را از دست داده‌اند. آنها به این امر اشاره کردند که، از سال ۱۹۶۵ تا کنون، ۱۲۶ کارگر از کارخانه اخراج شده‌اند. شرکت، با رد و انکار ادعای اتحادیه اعلام نمود، که تنها ۸۵ درصد محصولات آن، در کانادا بفروش رسیده و بیکارسازی کارگران بر اثر کاهش سود شرکت بوده است. برای رد این ادعا، سخنگوی اتحادیه گفت، فروش شرکت از سال ۱۹۶۵ سه برابر گردیده، در حالیکه، محصولات ساخت کانادا کاهش یافته است.

در ضمن، اتحادیه علنا اعلام نمود، که شرکت باند هایی را به کارخانه وارد نموده، که در جریان جنگ جهانی دوم تولید شده و در کارخانه بسته بندی میشود. این باند ها، ضد عفونی نشده و به شرکتهای صنعتی، با مارک « ساخته شده در کانادا» فروخته میشود. در مقابل، شرکت ادعا نمود، که مشتریان از خرید باند های اضافی ارتش امریکا مطلع هستند. اما، جمله روی محصولات اشتباهی بوده و میبایست بر روی آنها « ساخته شده برای کانادا» نوشته میشد. یکی از شرکتهای خریدار اعلام نمود، که این شرکت تعداد زیادی باند به ما فروخته است و روی آنها، نحوه استفاده از آن قید نشده است. فرض ما بر این بوده، که آنها ضد عفونی گردیده‌اند. مدیر شرکت دیگری، یعنی شرکت لویت سیفتی اعلام نمود: « تا آنجا که به ما مربوط است، این باند ها در کارخانه براندفورد ساخته شده است.» زمانیکه شرکت فروشنده و خریدار نتوانستند ضد عفونی بودن باند ها را تایید کنند، مدیریت غذا و داروی دولت فدرال دستور داد که، تا اعلام نتایج تحقیقات، فروش باند ها از سوی شرکت معلق گردد.

حکمت توسط دیارتمان کارگری انتاریو، قادر به حل و فصل اختلافات نشد. در آن زمان، ۸۵ درصد کارگران، رای به اعتصاب دادند. بنا به رای گیری، میبایست اعتصاب روز بعد از ۱۶ جولای شروع شود. این روز مصادف بود با روز بستن کارخانه ؛ روزی که، کارگران خط تولید، تعطیلات رسمی تابستانی خود را شروع میکردند. یکروز قبل از اعتصاب، کارگران از سوی کارفرما نامه‌ای دریافت نمودند. در این نامه آمده بود که : « ما قصد داریم پیروز شویم. شرکت ما در گذشته توانسته است حتی، اعتصاب ۹ ماهه‌ای را تحمل کرده و مخالفان بزرگی چون کامیون رانان را، در کانادا و امریکا شکست دهد.» در نامه همچنین، کارفرما، کارگران را تهدید نمود، که به جای آنها از کارگران اعتصاب شکن استفاده خواهد کرد. (اینکار بنا به مفاد قانونی «لایحه رابطه کارگر و کارفرما» در انتاریو ممنوع است.) این نامه تهدیدآمیز، از سوی کارگران نادیده گرفته شد و اعتصاب طبق نقشه قبلی با حضور ۷۵ نفر کارگر، در صفوف پیکت شروع گردید. مدیر شرکت آقای کنت دافو، اعلام کرد که، شرکت بدون توجه به اعتصاب، قصد دارد به کار خود ادامه دهد. او ادعا نمود، که شرکت قانونا و اخلاقا در قبال مشتریانش تعهد دارد، که کار خود را پیش ببرد. بعد از ظهر آن روز، دافو، برای محدود کردن تاثیر پیکت، که مانع خروج کامیونی از کارخانه میشد، پلیس را به کارخانه فراخواند. روز دوشنبه، کارگران در پیکت، با ۲۳ پلیس شهر، یک موتورسیکلت و کامیون پلیس روبرو شدند. افراد پلیس در رابطه با ورود و خروج کسی دخالت نکردند. اتحادیه شرکت را به عدم پرداخت و تقسیم دستمزد زمان تعطیلات متهم نمود. روز دوم پیکت، کارگران شاهد خشونت شدند. پلیس سعی کرد ورودی کارخانه را برای داخل شدن کامیونهای واردکننده مواد، در کنترل خود گیرد. ۵ نفر از کارگران به اتهاماتی نظیر ایجاد اغتشاش، ممانعت در کار پلیس ، ایجاد خسارات عمدی و داشتن اسلحه تهاجمی (یک چکش و یک تکه سنگ) بازداشت شدند. اتحادیه شرکت را متهم نمود که، یکی از زنان کارگر در موقع خروج کامیون از شرکت، از سوی فردی که کارخانه را ترک نمیکرده، جراحاتی برداشته است. پلیس یک مهندس شرکت را به جرم حمله دستگیر کرد. اما، کارگر زن اعتصابی، حق بازگشت به کار را باز نیافت. در ادامه تلاش شرکت برای ادامه کار، کارفرما، نامه‌ای به کارگرانیکه قبلا بیکار شده بودند فرستاد و به آنان دستور داد هرچه زودتر به سر کار بازگردند. دافو توضیح داد که شرکت به کارگرانیکه قبلا بیکار شده‌اند این فرصت را میدهد، که

قبل از استخدام سایر کارگران، به سر کار بازگردند. مدلین پرن، از اتحادیه پارچه بافان، شرکت را متهم نمود که، کارگران بیکار شده قبلی را تهدید کرده است که اگر بر سر کار حاضر نشوند، از بیمه بیکاری محروم خواهند شد. او اعلام نمود که، قانون بیمه بیکاری، کارگرانی را که در کارخانه، در حال اعتصاب هستند را نیز، مورد حمایت قرار میدهد. شرکت، به دلیل مبارزهجویی کارگران در صف اعتصاب، قادر نشد کار کارخانه را به روال عادی پیش ببرد؛ و از دادگاه عالی انتاریو درخواست نمود، که طی حکمی، بر تعداد کارگران شرکت کننده در صف پیکت، محدودیت ایجاد کند. یک هفته بعد، بدنبال این درخواست، دادگاه طی حکمی، اعلام نمود که، بخاطر وارد نشدن هیچگونه خسارتی به املاک کارخانه و نبود تهدید و جراحت از روز شروع اعتصاب، دادگاه، درخواست کارفرما را رد میکند. در عین حال اعلام نمود که، در صورت بروز خشونت، دادگاه بوسیله یک یادداشت، طی ۱۲ ساعت اعتصاب را لغو خواهد ساخت. هفته بعد، کارگران اعتصابی نامه دیگری از شرکت دریافت کردند که طبق آن، شرکت تعطیلات بین ۱۶ تا ۳۰ جولای تابستان را لغو میکند. این نامه زمانی به دست کارگران رسید که، بخشی از آنها، از قبل در تعطیلات تابستانی بسر میبردند.

خانم پرن، اظهار داشت که، این امر عجیبی است که شرکت دو هفته تعطیل رسمی کارگران خود را لغو میکند؛ در حالیکه اکنون یک هفته از آغاز آن گذشته است. وی این امر را طفره رفتن از مساله ارزیابی کرد. وی در ادامه افزود، که شرکت خود میداند که برطبق قانون استخدام انتاریو، دپارتمان کارگری، حکم به پرداخت دستمزد روز های تعطیل خواهد کرد. مساله اعتصاب از سوی مک مکارچوک، نماینده ایالتی انتاریو در جلسه قبلی پارلمان طرح شد. اما، تنها پس از اعتراض شهردار براندفورد، تا ۱۷ اوت، دستمزد های متعلق به روز های تعطیل به کارگران پرداخت نگردید. در همان زمان، یعنی دو هفته بعد از شروع اعتصاب، یک آگهی در روزنامه اسپکتاتور هامپلتون به چاپ رسید، که طبق آن کارخانه وایت اینداستریز کارگر استخدام میکند. بعد معلوم گردید که این کارخانه همان شرکت تکس پک است، که میخواهد بجای کارگران اعتصابی، کارگران تازه ای استخدام کند. دافو، ادعا نمود، که شرکت قصد دادن آگهی فریب دهنده نداشته، بلکه این اشتباه از سوی روزنامه اتفاق افتاده است. ما به روزنامه گفتیم که، ما افرادی را برای لایت اینداستریز میخواهیم ولی، آنها اشتباه وایت اینداستریز چاپ کردند. دافو همچنین گفت، ما این کارگران را بطور موقت استخدام نمیکنیم و این دسته از کارگران، بعد از خاتمه اعتصاب، بطور دائمی در استخدام شرکت باقی خواهند ماند. اتحادیه با اشاره به موضع دافو اعلام نمود، که این اظهار نظر با مواضع اولیه شرکت، مبنی بر مشکلات مالی در تناقض است. کنت راولی، مسئول اتحادیه پارچه بافی، شرکت را متهم نمود، که با استفاده از وجود اعتصاب شکنان، تلاش میکند روحیه کارگران را درهم شکند.

کارگران تازه استخدام شده، در یک اتوبوس اجاره ای زرد رنگ مدرسه، که پنجره های آن با تور های فولادی تنیده شده بود به کارخانه انتقال یافتند. پلیس در خارج از کارخانه مستقر شده بود. غیر از افراد پلیس، مامورین خصوصی استخدام شده از سوی شرکت برای تامین امنیت اعتصاب شکنان وارد کارخانه شدند.

زمانیکه اتوبوس در حال اسکورت، در مقابل در ورودی کارخانه ظاهر شد، اعتصابیون مقاومتی از خود نشان ندادند. کارگران حاضر در پیکت، تنها به جلو سپر اتوبوس تکیه داده و با مشت‌هایشان به در اتوبوس کوبیدند. اما، مانع ورود اعتصاب شکنان به کارخانه نشدند. زمانیکه اتوبوس کارخانه را ترک میکرد، شیشه جلو اتوبوس با سنگ شکسته شد. صبح روز بعد، کارگران مصممانه برای جلوگیری از ورود اعتصاب شکنان، اقدام کردند. وکیل شرکت، یکبار دیگر برای خاتمه دادن به اعتصاب به دادگاه شکایت نمود. خانم ای. جی. مورهاوس (قاضی) طی حکمی اعلام نمود که، کارگران خود، در خطوط پیکت مسبب خشونت شده اند و تعداد افراد حاضر در پیکتها باید به دو نفر در دروازه اصلی کارخانه و

یکنفر در هر دروازه محدود گردد. رهبران اتحادیه به سرعت اعلام کردند که از حکم صادره استیناف خواهند خواست. اعتصابیون به لحاظ مالی و معنوی، از سایر اتحادیه ها کمک دریافت کردند. اتحادیه لوله‌کشان و کمک مکانیک ها، اولین اتحادیه ای بود که با پرداخت ۱۰۰ دلار، به کمک کارگران اعتصابی شتافت. فرد ویلسون که این کمک مالی را با خود آورده بود گفت « اعتصاب تک پکس مهمتر از آنست که نسبت به آن بی‌توجهی شود. این تهدید شرکتهای امریکایی، نسبت به کارگران کاناداست، که ضرورت پشتیبانی از شما را ضروری کرد.»

اتحادیه محلی ماشین سازی مسی‌فرگسون با حضور در خطوط پیکت، اعتصابیون را کمک کردند. کارگران متحد فولاد(۱) ۵۰۰۰ دلار به اعتصابیون کمک مالی کرده و در خطوط پیکت حضور یافتند. کارگران متحد برق نیز نسبت به حمایت پلیس از اعتصاب شکنان و اسکورت آنها در ورود و خروجشان اعتراض نمود.

علیرغم این حمایتها، پشتیبانی از سوی اتحادیه های اصلی کند بود. شورای کارگری براندفورد، به بهانه اینکه این اتحادیه وابسته به کنگره کار کانادا نیست، از پشتیبانی اعتصابیون سرباز زد. از نظر آنها، اتحادیه در حال اعتصاب، یک اتحادیه مرتد(جدا از کنگره کار کانادا و اتحادیه های وابسته به آن) و ناسیونالیست محسوب میشد. متقابلاً، اتحادیه کارگران اعتصابی، کنگره کار کانادا را، ابزاری در دست اتحادیه های امریکایی ارزیابی میکردند.(۲)

نهایتاً فشار توده های کارگران و حکم دادگاه علیه اعتصابیون، شورای کارگری براندفورد را مجبور نمود که شرکت را محکوم کرده و علیه حمایت پلیس از شرکت موضع بگیرد. با وجود موضع گیری، شورای کارگری براندفورد حاضر به پرداخت کمک مالی به اعتصابیون نشد. سخنگوی این شورا، در دفاع از مواضع خودشان اعلام نمود که، اتحادیه در حال اعتصاب وابسته به کنگره کار کانادا نیست و در مواردی، علیه اتحادیه های وابسته به کنگره عمل میکند. اعضای گروه ناسیونالیستی وافل(۳)، متعلق به حزب دموکرات (سوسیال دموکرات) در اوایل سپتامبر در حمایت از اعتصاب وارد عمل شد، و هر روز اعضای آن، خود را به صفوف پیکت می‌رساندند.

صبح روز ۱۲ اوت، قبل از صدور حکم ختم اعتصاب، یک شیشه اتوبوس و آنتن رادیوی دو ماشین، شکسته شد. بعلاوه، کارگران بدون توجه به حکم دادگاه، به اعتصاب ادامه دادند. رهبر اتحادیه راوولی و ۹ نفر دیگر، از کارگران فولاد همیلتون، که برای حمایت اعتصابیون به صفوف پیکت پیوسته بودند، به جرم نقض حکم دادگاه، توسط پلیس دستگیر و محاکمه شدند.

حکم بازگشت به کار، از سوی دادگاه، خشونت را در تکس پک، متوقف نکرد. در اواخر اوت، یک تظاهرات ۷۰۰ نفره که به جمع ۱۵۰۰ کارگر اعتصابی پیوسته بودند، تقریباً به یک شورش در سطح شهر تبدیل گردید. تظاهرات که به فراخوان اتحادیه و شورای کارگری شهر سازمان داده شده بود، به آرامی و در فضایی صلح‌آمیز شروع گردید، اما وقتی تظاهرکنندگان به سوی پلیس و ماموران آتش‌نشانی به پرتاب سنگ اقدام کردند، تظاهرات بطور فزاینده‌ای، به خشونت گرایید. تظاهرات کنندگان، پنجره های کارخانه و دوربینهای خبرنگاران را شکستند و ماشینهای پلیس را سنگ باران کردند. در حین تظاهرات، گروهی از آنها، دروازه کارخانه را باز و بسرعت وارد کارخانه شده و با واژگون کردن جعبه آشغال اقدام به ایجاد حریق نمودند. این بار مجدداً رهبر اتحادیه به جرم ایجاد حریق عمدی دستگیر شد. روز بعد ۱۴ کارگر دیگر که از دستور پلیس، یعنی ترک خطوط پیکت، تبعیت نکرده بودند، دستگیر شدند. هفته بعد، یک تظاهرات از سوی اتحادیه ماشین سازی، در حمایت از اعتصاب، ۵۰۰۰ نفر را علیه پلیس ضدشورش به میدان آورد. یک عضو اتحادیه محلی ماشین سازی همیلتون، با تقدیم ۵۰۰۰ دلار به راوولی گفت: « حکم بازگشت به کار از سوی دادگاه، باید در منازعات کارگری ممنوع گردد.» راوولی درگیری و مقابله کارگران با پلیس را، برای توده های حامی اعتصاب، چنین تشریح کرد: « قیل از اینکه ما بخود آیم، از سوی پلیس و نیرو های مزدور شرکت محاصره

شدیم. آنها به همه تجهیزات، برای یک جنگ داخلی، مجهز بودند. پلیس احساس میکرد که با داشتن حکم دادگاه، میتواند هر چه دلش بخواهد بکند. آنها فکر میکردند میتوانند حقوق ما را زیر پای خود له کنند. ما حق خود میدانیم که، در خیابانها دست به تظاهرات بزنیم.»

دو روز بعد، ۸۰۰ نفر از هواداران کارگران اعتصابی، بار دیگر، تظاهراتی را سازمان دادند. در این روز، همه ده نفر پلیس حاضر در صحنه، تنها به کنترل ترافیک و پارکینگ پرداختند و دخالتی نکردند. تظاهرکنندگان در این روز، خواهان ایجاد یک جبهه متحد از مردم شهر و کارگران شدند. راولی خطاب به تظاهرات کنندگان گفت: «امروز اعتصابیون یک پیروزی کوچک کسب کردند، ما گفته بودیم که شرکت را تعطیل خواهیم کرد و موفق به اینکار شدیم. اما، این تنها یکروز است و این کافی نیست. این تظاهرات باید فردا و مجدداً روز سه شنبه ادامه یابد؛ تا جاییکه این اعتصاب، به دستیابی یک قرارداد خوب منجر شود.» او در ادامه اعلام نمود، که از آغاز اعتصاب تا بحال، ۵۰۰ نفر دستگیر شده اند. اعتصابیون خواهان خشونت نیستند. او در ادامه صحبتهای خود افزود: «علیرغم رد خشونت، ما دفاع از خود را، حق خود میدانیم. آزادی حق اعتراض و تظاهرات در خیابانهای براندفورد، باید مورد پشتیبانی همه قرار گیرد. ما برای این کار، نیازی به کسب اجازه از پلیس، نداریم.»

همه سخنرانان در طول تظاهرات، حمایت پلیس را از شرکت و اعتصاب شکنان محکوم کردند. دریک بلک برن(۴)، نماینده پارلمان فدرال از براندفورد، به تظاهرات کنندگان گفت: «از ابتدای امر، این کمپانی کوچک متعلق به شرکت عظیم امریکایی، با حسن نیت برخورد نکرد. این کار، شبیه به این است که شرکت خارجی به کارگش بگوید، به جهنم واصل شوید. ما این را تحمل نخواهیم کرد.....» مک مکارچوک، نماینده پارلمان ایالتی ضمن موافقت با صحبتهای سخنرانان گفت: «شرکت قصد مذاکره با اعتصابیون را ندارد. این شرکت، قدرت دادگاهها و سایر قوانین را، برای درهم شکستن اعتصاب بکار میگیرد.» روز بعد از تظاهرات، پلیس براندفورد، پس از اظهار عدم حمایت خود از اتوبوسهای حامل اعتصاب شکنان، زیر حمله کارفرما قرار گرفت. مردم براندفورد نیز بخاطر اینکه به اعتصاب شکنان صدمه ای وارد نشود به امر دخالت پلیس معترض بودند. پس از این، سخنگوی پلیس مساله عدم حمایت از اعتصاب شکنان را منکر شد. جی. رایس بازرس پرسنلی پلیس اعلام نمود، تا به حال ما حمایت ویژه ای از اعتصاب شکنان نکرده ایم. ما آنها را موقع ورود به شهر تحت نظر داشتیم و اینکار را ادامه خواهیم داد. روز دوم، مجدداً ۳ اتوبوس حامل اعتصاب شکنان، تحت حفاظت پلیس در خطوط پیکت ظاهر گردید. معاون پلیس شهر، در توجیه عمل پلیس اعلام نمود: «ما دستور داده ایم که اعتصاب شکنان مورد حمایت قرار گیرند زیرا بنا به اطلاعات رسیده کمونیستها قصد خرابکاری در اتوبوسها را دارند...» ۴۰ کارگر در خط پیکت به هو کردن پلیس و اعتصاب شکنان پرداختند. باوجوداین، پلیس به کارگران غیر اتحادیه ای اعلام کرد، که در آینده قادر به تامین امنیت آنان نخواهد بود زیرا، در گذشته ۶۰ درصد نیروی پلیس شهر برای حفظ امنیت آنان اختصاص داده شده بود و در آینده مگر در صورت نیاز، نیروی اختصاص یافته به اینکار کاهش خواهد یافت. سخنگوی پلیس همچنین اعلام نمود، که تامین امنیت افراد، نه تنها شامل مدیران و اعتصاب شکنان، بلکه شامل کارگران اعتصابی و افراد حاضر در پیکت نیز خواهد بود. مدیریت شرکت با اشاره به کاهش حمایت پلیس از اعتصاب شکنان، عدم توافق بر مسایل مورد اختلاف و افت درآمد شرکت بر اثر اعتصاب، اعلام نمود که مجبور به بستن کارخانه است. دافو اعلام کرد: «ما از دست پلیس، شهردار و اتحادیه به جان آمده ایم. شرکت در اینجا طی ۶ ماه گذشته ۵۷۲ هزار دلار از دست داده و طی ۱۴ ماه گذشته مرتب ضرر و زیان بارآورده است. ما نمیخواهیم به این شکل به کار ادامه دهیم.» کارگران بدون توجه به تهدیدات کارفرما، با کمک سایر اتحادیه ها و گروه وافل، استراتژی خود را تغییر داده و پیکت خود را به هامیلتون، جاییکه کارفرما اعتصاب شکنان

را با اتوبوس به کارخانه می‌آورد منتقل نمودند. این تاکتیک موفقیت آمیز، نهایتاً کار تولید را در شرکت کاملاً متوقف ساخت.

برای روبرو نشدن با پیکتهای هامیلتون، شرکت از اتوبوسهای اجاره ای صرفنظر نموده و بجای آنها، اعتصاب شکنان را با ماشینهای شخصی به کارخانه آورد. ۲۵ اعتصاب شکن، روز اول از خطوط پیکت با ماشینهای شخصی عبور کردند، اما روز دوم زمانیکه ۴ پلیس در صحنه، اعلام نمودند که قادر به تامین امنیت اعتصاب شکنان نخواهند بود، کار اعتصاب شکنان متوقف شد. کارفرمای شرکت آقای دافو، خشمگینانه اظهار کرد: «پلیس بجای اجرای دستور دادگاه عالی، به کارگران اجازه داده است که، در خیابان کریچ دست به ایجاد پیکت بزنند. ما از تباری ظاهری پلیس و اتحادیه در متوقف ساختن ورود افراد به کارخانه بیزار شدیم.» او مجدداً تهدید کرد که، اگر پلیس امنیت ورود و خروج افراد را به کارخانه تامین نکند، کارخانه را از کار خواهد انداخت. رییس پلیس بوچر توضیح داد که، با ۴ پلیس و تعداد زیاد پیکتها، کاری از دستش ساخته نیست.

در ماه سپتامبر، دولت انتاریو برای خاتمه دادن به اعتصاب، بعنوان میانجی، وارد صحنه شد. مذاکره بین شرکت و نمایندگان اتحادیه، در بخش حکمیت وزارت کار ایالتی توسط دبلیو. اچ. دیکی کار خود را شروع کرد. روز ۲۲ سپتامبر، شرکت ۵ کارگر اخراجی، که بر اثر برخورد غیرقانونی در صفوف پیکت اخراج گردیده بودند را، به سرکار بازگرداند. اتحادیه شکایت خود، مبنی بر نقض قانون کار در اخراج کارگران را، پس گرفت. روز ۲۳ سپتامبر، اتحادیه پیشنهاد دستمزد سالانه را رد نمود. دافو در این موقع با ارائه پیشنهاد دستمزد سالانه اعلام نمود: «شرکت عجلتاً کارگر غیراتحادیه‌ای استخدام نخواهد کرد.» راولی رهبر اتحادیه، با محکوم کردن پیشنهاد کارفرما، دستمزد سالانه را ناکافی دانست. اما اعلام نمود که: «قطع فعالیت اعتصاب شکنان، فضای بهتری را برای ادامه مذاکرات بوجود خواهد آورد.»

علیرغم اینها، در طی چند روز بعد، شرکت تهدید نمود که، اگر پلیس امنیت کارمندان دفتری را تامین نکند، اقدام به استخدام کارگر اعتصاب شکن خواهد نمود. شرکت اعلام کرد: «با وجود حضور پلیس در انتهای خیابان کارخانه، در جریان اعتصاب، ماشین ۵۰۰ نفر از کارمندان، توسط اعتصابیون صدمه دیده است.»

- روز ۲۹ سپتامبر، زمانیکه شرکت قادر به ادامه تولید محصولات نگردید، اعلام نمود که کارخانه ریکس دیل را که یکسال قبل بسته بود مجدداً باز کرده و ۸۰ درصد محصولات کارخانه براندفوردر را به آنجا منقل خواهد کرد. شرکت همچنین از اتحادیه پارچه بافان امریکا خواست، که کارگران کارخانه جدید را سازمان دهد. اتحادیه پارچه بافی کانادا و سایر اتحادیه‌ها، اتحادیه امریکایی را متهم به عبور از خط پیکت نمودند. کنت راولی، نامه‌ای اعتراضی به دیوید آرچار رهبر فدراسیون کار انتاریو، فرستاد و از او درخواست نمود، که دخالت اتحادیه‌های وابسته به خود را، در این امر کنترل کند. اما، آرچار حاضر به مداخله نشد.

- در اوایل اکتبر، کارگران اعتصابی، مستقیماً نامه ای از کارفرمای شرکت دریافت کردند. شرکت از کارگران خواست، با قبول سی و هفت و نیم سنت افزایش دستمزد، در ازای هر ساعت کار، بر سر کار بازگردند. در نامه آمده بود که «ما میخواهیم شما را مجدداً سر کار ببینیم. ما میدانیم اغلب شما میخواهید بر سر کار بازگردید. چرا اینکار را نمیکنید؟ ما فکر میکنیم که وقت آن فرارسیده است که خود تصمیم بگیرید.... ما بر این باوریم که، تنها راولی و اطرافیانش این اعتصاب را میخواهند. شما احتمالاً از ابتدا نیز، با اعتصاب موافق نبوده اید.... ما فکر میکنیم که شما از سوی راولی و اطرافیانش، مورد سو استفاده قرار گرفته‌اید. (شاید هم قربانی شده‌اید)

«تا آنجا که به ما مربوط است ما میخواهیم به این وضعیت ناگوار از طریق دیالوگ مستقیم با شما خاتمه دهیم. رهبران شما چیزی را به شما میگویند که، خودشان دوست دارند.»

روز ۱۶ اکتبر، دادگاه استیناف انتاریو، حکم دادگاه بدوی را علیه اعتصابیون لغو نمود. ۳ روز بعد از آن، اعتصاب به پایان رسید. کارگران از طریق رای مخفی با ۱۰۲ رای مثبت و ۱۹ رای منفی آخرین پیشنهاد شرکت مینی بر ۴۴ سنت افزایش دستمزد در برابر هر ساعت کار و ترمیم مزایا را مورد تایید قرار دادند. شرکت همچنین موافقت کرد که، اکثریت کارگران اخراجی به سرکار بازگردند و کارخانه ریکس دلیل بسته شود. اینکار در مارس ۱۹۷۲ تحقق یافت.

.....

توضیحات

۱. کارگران متحد فولاد همان اتحادیه فولاد کنونی است.
۲. متهم ساختن کنگره کار آمریکا از سوی اتحادیه کوچک پارچه بافی و مواد شیمیایی دو دلیل خاص داشت. یکی اینکه موضع گیری شورای کارگری شهر براند فورد در عمل به نفع کارفرمای شرکت امریکایی تمام میشد و دوم اینکه اتحادیه های کارگری کانادا تا سال ۱۹۵۶ بخشی از اتحادیه های آمریکا بودند. هم اکنون نیز بعضی از اتحادیه های کارگری کانادا رابطه نزدیکی با اتحادیه های امریکایی دارند.
۳. وافل فراکسیونی از حزب نیو دموکرات بود که مواضع بشدت ضد امریکایی داشت. این فراکسیون با نفوذ سرمایه های امریکایی در اقتصاد کانادا مخالفت میکرد و دلیل حضور افراد آن در خطوط پیکت کارگران را باید در مواضع آنها نسبت به آمریکا و در اینجا شرکت امریکایی جستجو نمود.
۴. بلک بروان نماینده حزب نیو دموکرات از براند فورد بود. افراد این حزب بخاطر حفظ رابطه خود با رهبران اتحادیه ها گاهی در اعتراضات کارگری حضور پیدا میکنند. اینان برای کسب آرای کارگران به این نوع اقدامات نیاز دارند. این حزب اغلب نقش اپوزیسیون را در پارلمان کانادا بازی میکند. در طی دهه های گذشته در مواردی که این حزب در بعضی ایالات قدرت را در دست گرفته تقریباً همان سیاستهای احزاب راست و میانه را تعقیب نموده است.